

ما برای نتایج کار نمی‌کنیم؛ اما حقیقت این است که این‌گونه نیست که اگر ما با تلاش خود و طبق وظیفه و حجت، به این مقاصد نرسیم، احساس شکست بکنیم... اگر خدای متعال به آن حرکت برکت داد و نتایج را بر این اقدام مترتب کرد، خوشحال و مسرور خواهیم بود و تحقق وعده‌های الهی برای همه‌ی کسانی که به آن وعده‌ها اعتقاد دارند، لذتبخش و شیرین خواهد بود. اگر هم خدای متعال مقدر نفرمود که آن نتایج بر این مقدمات مترتب بشود، ما خوشحالیم که تکلیفمان را انجام داده‌ایم و کار خود را کرده‌ایم. این، آن روش و خط اساسی است که انجام می‌دهیم. ۶۸/۵/۱۵

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۳۵ / دوشنبه هشتم بهمن ماه ۱۳۹۷

عربستان و سیاست دوپهلوی آمریکا

آرمان امروز: فرآیند میلیتاریزه شدن غرب آسیا در نتیجه ثروت‌های باد آورده نفتی و با سیاست اعراب ایالات متحده در بین اعراب این منطقه به ویژه در مقابل ایران در سال‌های اخیر هم از جهت مبالغ هنگفت قراردادهای نظامی و هم توسعه انواع تسلیحات شدت یافته است. قرارداد خرید تسلیحات سعودی‌ها از آمریکا در سال ۲۰۱۷ به مبلغ ۱۱۰ میلیارد دلار اوج این روند بوده است. عربستان سومین خریدار بازار تسلیحات جهان است. بر مبنای چشم‌انداز ۲۰۳۰ بن سلمان، این کشور در این سال باید ۵۰ درصد تسلیحات نظامی مورد نیاز خود را در داخل تولید کند و تبدیل به قدرت نظامی اول منطقه شود. در سال ۲۰۱۷ عربستان قرار بوده زیردریایی هسته‌ای بابور ۳ ساخته پاکستان که موشک کروز حمل می‌کند برای برتری نظامی در برابر ایران را خریداری کند. در ارتباط با تلاش‌های عربستان برای دستیابی به تسلیحات نامتعارف، نقش قدرت‌های نظامی فرامنطقه‌ای برجسته است.

به نظر می‌رسد همچون مساله حقوق بشر، هیچ واکنشی علیه عربستان برای شفاف‌سازی یا بازرسی از سوی نهادهای بین‌المللی صورت نگیرد. این در حالی است که ایران ضمن عضویت در ان‌پی‌تی، ۱۲ گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر پایبندی ایران به تعهدات برجامی خود صادر شده اما مخالفت آمریکا و تلاش‌های عربستان برای مجاب کردن غرب برای فشار بیشتر بر ایران ریشه سیاسی دارد. فارغ از مسائل حقوق بشری و تلاش‌های سعودی برای توسعه برنامه موشکی و ساخت و توسعه موشک‌های قاره‌پیما و تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، آنچه که در راستای منافع کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا است، حفظ رژیم سعودی است. گرچه حتی این برنامه نظامی فرایند نظامی شدن را در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس تشدید کند.

گزینه‌های روی میز مقاومت

حمایت: اندیشکده‌ها و سازمان‌هایی که وظیفه رصد تحولات حوزه نظامی را بر عهده دارند و به صورت تخصصی عده و عده گروه‌های مقاومت را بررسی می‌کنند، همگی به این واقعیت اذعان دارند که حزب‌الله لبنان یکی از قدرت‌های بزرگ نظامی حال حاضر جهان است؛ به نحوی که گوی سبقت را حتی از برخی کشورهای منطقه در این خصوص ربوده است. سید مقاومت در گفتگو با شبکه المیادین در پاسخ به سؤالی درباره تهدید سابق خود علیه صهیونیست‌ها که گفته بود اگر تجاوز کنند پشیمان خواهند شد، گفت: «بله پشیمان خواهند شد. یکی از نکاتی که من به نتانیاهو یا دیگر سران

اسرائیلی می‌گویم، این است که مرتکب اشتباه نشوند. گزینه‌های ما روی میز است، اما امروز مقاومت در جایگاهی است که می‌تواند بگوید تمام گزینه‌های ما روی میز است. هر آنچه از ایستادگی، مقاومت و قدرت لازم است و عقل و درایت و شجاعت حکم می‌کند، نزد ما موجود است».

این سخن دبیر کل حزب‌الله بلوف یا غلو نیست، چراکه حتی اشغالگران نیز به دست برتر مقاومت اقرار دارند. اندیشکده صهیونیستی «جینسا» در دی‌ماه سال جاری با ارائه گزارشی در خصوص توان نظامی مقاومت اسلامی لبنان اذعان کرد: «امروزه حزب‌الله قدرت شلیک بیش از ۹۵ درصد از ارتش‌های متعارف جهان را داراست. حزب‌الله اینک بیشتر از همه اعضای اروپایی ناتو موشک و راکت دارد. مایکل اس تاکر، سرلشکر بازنشسته آمریکایی در این زمینه گفته است: اسرائیل به‌واقع با چالشی که در هیچ کجای جهان وجود ندارد، مواجه است.» همچنین در این گزارش آمده است که حزب‌الله بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار موشک و راکت در اختیار دارد. این در حالی است که در سال ۲۰۰۶ این رقم تقریباً ۱۰ هزار موشک و راکت برآورد شده بود. حزب‌الله غیر از موشک‌های برد کوتاه، چندین هزار راکت برد متوسط، چند صد فروند موشک برد بلند نقطه زن نیز در اختیار دارد. در ادامه این گزارش ذکر شده است که تعداد نیروهای حزب‌الله نیز از ۱۳ هزار نفر در سال ۲۰۰۶ به ۲۵ هزار نیروی آماده رزم و ۲۰ تا ۳۰ هزار نیروی ذخیره افزایش یافته است.

در ۲۷ مرداد سال جاری، سید حسن نصرالله یکی از نادرترین مواضع خود در خصوص توان نظامی حزب‌الله را علنی کرد و باعث وحشت صهیونیست‌ها شد، چراکه مهاجران اشغالگر اسرائیلی و همچنین مسئولین این رژیم، اعتقاد راسخ دارند که هر آنچه دبیر کل مقاومت اسلامی لبنان می‌گوید و وعده می‌دهد، حتمی است. بر اساس نتایج یک پژوهش علمی که دانشکده «تل حای» در شمال سرزمین‌های اشغالی انجام داده بود، ۸۰ درصد اسرائیلی‌ها به سخنان سید حسن نصرالله ایمان دارند و تنها ۲۰ درصد اظهارات ستاد ارتش را باور می‌کنند. سید مقاومت تابستان امسال به اظهارات یک افسر بلندپایه اسرائیلی که حزب‌الله را قوی‌ترین سازمان نظامی در منطقه بعد از ارتش صهیونیستی خوانده بود اشاره کرد و گفت: «ما قوی‌ترین ارتش در منطقه بعد از ارتش اسرائیل نیستیم، حزب‌الله قوی‌تر از ارتش اسرائیل است زیرا مسئله، مسئله امکانات نیست بلکه ما از نظر ایمان به‌حق خود قوی‌تر از اعتقاد آن‌ها به مسئله باطلشان هستیم».

قدر مسلم آن است که قدرت بازدارندگی حزب‌الله همواره عامل وحشت رژیم صهیونیستی است و این رژیم صدها بار برای مبادرت به هرگونه حماقتی علیه مقاومت لبنان دست به محاسبه می‌زند. رژیم صهیونیستی از تهدیدات مقاومت سخت وحشت دارد زیرا بنا به تصریح سید حسن نصرالله، ویژگی مقاومت این است که هرگز تهدید توخالی نکرده، سخن را صرفاً برای سخن گفتن و نطافی مطرح نمی‌کند و دشمن صهیونیستی کاملاً به این امر واقف است. طرفه آنکه همه شواهد و قرائن گویای تقویت بنیه حزب‌الله در همه ابعاد و افول و زوال هیمنه پوشالی صهیونیست‌هاست و دیری نخواهد پائید که این هیمنه از بیخ و بن فرو خواهد پاشید.

پیش دستی آمریکا برای نابود کردن افغانستان

خراسان: یک: چند روز قبل، آمریکا با طرح ادعای بی دلیل، فاطمیون و زینیون، دو گروه مدافع حرم و مستقر در سوریه را به بهانه های واهی تحریم کرد. نکته قابل تامل، نبودن این دو گروه در چرخه تصمیم گیری، فعالیت و روابط اقتصادی است. در واقع این دو گروه هیچ کنشگری سیاسی و اقتصادی ندارند و صرفاً گروه های اعتقادی برای پاسداری از حریم اهل بیت در سوریه هستند. بارها نیز اعلام شده این گروه ها ماموریت شان در منطقه غرب آسیاست و زندگی نامه منتشر

شده از شهدای این دو گروه نشان می دهد، هدف اصلی آن ها آزادی قدس شریف و مبارزه با صهیونیست است. اما حقیقت این تحریم چیست؟

دو: در پس پرده حوادث تحریم این دو گروه سناریوی خطرناکی نهفته است. آمریکایی ها با کانالی که در شمال ایجاد کردند، عناصر بسیار زیادی از رهبران و کادر داعش را از منطقه سوریه و عراق خارج و به شمال افغانستان منتقل کردند. این عناصر، افراد جلاد و رهبران اصلی داعش در عراق و سوریه اند که بعضاً از گروه های بومی افغان، عرب یا ایغورها تشکیل می شوند. هدف اصلی آمریکا ایجاد درگیری و تاسیس پایگاه ثابت داعش در افغانستان است که هدف آنان با تشکیل داعش، ناامن سازی ایران، از بین بردن امنیت در نوار مرزی چین، درگیر کردن هندوستان و تاثیر گذاری بر اقتصاد پاکستان و حضور نظامی بلند مدت در افغانستان است، کشوری که هم با چین هم مرز است و هم با ایران. به عبارت دیگر آمریکا از این فرصت به دنبال ضربه زدن به امنیت ملی افغانستان و منطقه بهره مند خواهد شد.

سه: هدف قرار دادن «زینیون» و «فاطمیون» طرح آمریکا برای جلوگیری از این پیوند فرهنگی و امنیتی بود. البته نباید فراموش کرد آمریکایی ها ماه هاست به پاکستان برای مبارزه با تروریسم پشت کردند و کابل را سرکار گذاشتند! کاری که در عراق با رد و تعویق کمک به بغداد برای مبارزه با داعش انجام دادند.

چهار: چالش پیش روی منطقه، مسئله مبارزه با داعش در سال ۲۰۱۹ است. آمریکایی ها خواهان استقرار داعش در این منطقه هستند تا ضمن مهار محور مقاومت، پایگاه خود را در این کشور تحکیم بخشیده و حضور خودشان را تقویت کنند. بر پایه این تحلیل در می یابیم که چرا جمهوری اسلامی ایران، سیاست دفاع پیش دستانه یا تهاجمی را به عنوان سیاست جدید، در اختیار نیروهای رزمی خود قرار داده است.

پنج: البته نباید فراموش کرد که هدف از تحریم فاطمیون و زینیون توسط واشنگتن، علاوه بر مهار این محور، نوعی قطع آینده فعالیت آن ها در مناطقی است که خاستگاه فکری آن ها برای مبارزه با داعش است.

نه رییس، نه جمهور

صبح نو: آنچه در ونزوئلا می گذرد، ترکیبی از بهار عربی و کودتای خارجی است. بخشی از مردم از وضعیت اقتصادی و معیشتی خود ناراضی اند و دولت «مادورو» را مقصر مشکلات کشور می دانند. آن ها به خیابان می آیند و خواهان تغییر هستند. این موضوع در یک دموکراسی، کاملاً طبیعی است. آنچه در عالم سیاست و روابط بین الملل شگفت انگیز است، دخالت مستقیم و ناشیانه دولت آمریکا در به رسمیت شناختن یک دولت موازی در یک جغرافیای دیگر است. آمریکا در امور کشورهای مختلف، نمونه های مختلفی از دخالت را انجام داده، اما این مورد خاص تقریباً بی سابقه بوده است. اولاً در ونزوئلا بخش زیادی از مردم طرفدار دولت مستقر هستند. ثانیاً رهبر مخالفان در انتخابات مقابل مادورو بازنده نشده که اکنون به عنوان رییس جمهور انتخاب شود! پس نه نماینده جمهور ونزوئلاست و نه رییس آن جمهوری. سیاست خارجی می تواند تنظیم کننده روابط در سیاست داخلی باشد، مثل برجام که زمینه ساز پیروزی اصلاح طلبان در دو انتخابات ایران شد. اما آنچه آمریکا انجام می دهد، بسیار فراتر از تنظیم مناسبات است. نوعی کودتای نرم را تداعی می کند خارج از قواعد علوم سیاسی در حال حرکت است. به نظر می رسد این تجربه برای آمریکا جز شکست حاصلی نخواهد داشت و فضای سیاسی ونزوئلا را تبدیل به فضای امنیتی می کند. علاوه بر این، حاوی این پیام مهم است که هژمونی آمریکا حتی در قاره

آمریکا هم به چالش رفته و حمایت آمریکا ضمانت برد را همراه ندارد. این نشانه‌ای از افول آمریکا است. به نظر می‌رسد در زمینه امنیتی، کشورهای چون روسیه، ایران و ترکیه به رقبای مهمی برای ایالات متحده تبدیل شده‌اند.

بازماندگان هیتلر چه می‌گویند؟!

وطن امروز: سخنگوی وزارت خارجه آلمان اظهار کرده است: «به عقیده دولت آلمان، این اقدام برای تأمین منافع ژرمن‌ها در سیاست خارجی و عرصه امنیتی ضروری بود. برلین معتقد است «ماهان ایر» به حمل و نقل تجهیزات و افراد به منطقه خاورمیانه و سوریه می‌پردازد که در آنجا عملیات نظامی جریان دارد. این تصمیم در ارتباط با نقشی که تهران در سوریه بازی می‌کند و تشدید فعالیت سرویس اطلاعاتی ایران در اروپا اتخاذ شده است».

۱- دولت ائتلافی آلمان [متشکل از ۲ حزب سوسیال-دموکرات و دموکرات-مسیحی] با اتخاذ این تصمیم سیاسی و غیرحقوقی نشان داد نه تنها دست کمی از بازیگران ضدایرانی دیگر در اروپا (مخصوصاً انگلیس و فرانسه) ندارد بلکه وابستگی و تعلق خاطر خود به کاخ سفید و دولت ترامپ را به اثبات رساند.

۲- ژرمن‌ها خود نیز نسبت به بازی خونینی که به همراه واشنگتن، پاریس، لندن، تل‌آویو و ریاض در سوریه به راه انداخته‌اند، آگاهند. گزارش سازمان عفو بین‌الملل در اردیبهشت ۹۵ پاسخگو باشد: «بخشی از سلاح‌هایی که در دستان نیروهای داعش دیده می‌شود، ساخت کشور آلمان است. تسلیحات ساخت شرکت آلمانی «هکلر و کخ» به صورت خاص در اختیار گروه تروریستی داعش قرار دارد».

۳- مقامات آلمانی خود نسبت به نقش جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با گروه‌های تروریستی تکفیری در سوریه آگاهند.

۴- سکوت دستگاه دیپلماسی کشورمان در قبال عهدشکنی‌ها، خیانت‌ها و رفتارهای ضدامنیتی ژرمن‌ها، منجر به وقاحت بازماندگان هیتلر شده است. تاسف‌بارتر اینکه آقای دکتر ظریف وزیر محترم امور خارجه کشورمان یک بار به صورت عینی نتیجه مصالحه دستگاه دیپلماسی با آلمان را مشاهده کرده‌اند! بهمن ماه سال گذشته پس از برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ، شرکت‌های انرژی آلمان حاضر به سوخت‌رسانی به هواپیمای حامل وزیر امور خارجه کشورمان نشدند. شرکت‌های تأمین سوخت آلمانی نگران بودند با فراهم کردن سوخت برای هواپیمای وزیر امور خارجه ایران تحریم‌های واشنگتن علیه تهران را نقض کنند. به ناچار وزارت خارجه آلمان از وزارت دفاع این کشور کمک گرفت و برای حل شدن مشکل به ناچار ارتش آلمان برای هواپیمای حامل وزیر امور خارجه کشورمان سوخت فراهم کرد!

۵- اگر چه بخشی از وقاحت ژرمن‌ها در تقابل با کشورمان، معلول وابستگی ساختار آنها به ایالات متحده در نظام بین‌الملل است اما متأسفانه بخش دیگر آن مرهون «رودربایستی» دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان با برلین است.

